

Designing a Conceptual Model for the Investigation of Policy-Making Developments in the Cultural Governance of the Islamic Republic of Iran: Using Grounded Theory

Hossein parkan *

Extended Abstract

Introduction and Objectives:

In the policy-making process, it is necessary to review the policy developments in each issue; to make the past experiences a beacon for future policy-making. This requires the production of an appropriate model that provides an intelligent description of the actual performance of policy in achieving its goals. The lack of a proper model in the studies, the abstractness of the models, the lack of coverage of the real policy-making processes in the studies and the avoidance of taking policy from macro tasks and absorbing details are the most important arguments that seem to be positive for policymakers, especially policymakers in the field of culture. The current research aims to design an efficient conceptual model and management in the investigation of governance policies in the Islamic culture of the Islamic Republic of Iran.

Method:

Therefore, by taking advantage of the exploratory research style and grounded theory strategy and by interviewing 61 experts, the mentioned model was extracted. To analyze the data, the method of continuous comparison was used in the stages of open, central, and selective coding. Based on the coding, the first 870 primary codes were determined.

* Assistant Professor, Management, Islamic Science and Culture Research Institute, Qom, Iran,
h.parkan@isca.ac.ir

The validity of the research was verified by the interviewees and experts. Also, by using the method of audit study, the reliability of the research process was confirmed.

Results:

The analysis of the data showed that the conceptual model for investigating policy developments in the cultural governance of the Islamic Republic of Iran is a three-dimensional matrix that has 11 classes, 11 categories, and eight categories from a content point of view.

Discussion and Conclusions:

Types of political activities include the following:

1. executive and corporate-oriented (community)
2. Spiritual support (guidance)
3. Material support
4. Participatory (participating in implementation)
5. Policy making and planning
6. Legal
7. Supervisory
8. Licensing
9. Interactive coordination
10. General management headquarters
11. Opposition to development and promotion flow

The types of political activities include the following:

1. Educational
2. Research
3. Henry
4. Talent search
5. Preservation of musical works
6. Material and intellectual ownership of the work

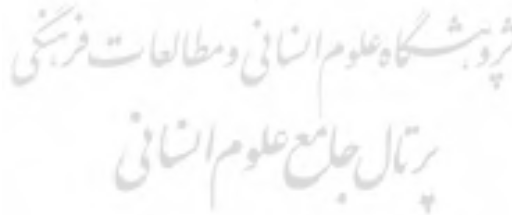
7. Promotional advertising
8. Media
9. Software and hardware acquisition and equipment
10. Virtual and digital media
11. Specialized headquarters and management

Eight content categories also include the following:

1. Secularism or secularism
2. Democratization
3. Developmentalism and modernization
4. Nationalism in the shadow of "Ummah-ism"
5. Social and economic reforms
6. Family Orientation
7. Religiosity
8. Revolutionism

In the end, it is suggested that by using the model presented in this research and using scientific and practical methods, the damage of the governance system and cultural policymaking should be identified and based on that, macro and sectoral policies of the Islamic Republic of Iran in the field of culture should be formulated.

Keywords: Policy making, Policy developments, Model design, Grounded theory, Culture, Governance.



طراحی الگوی مفهومی بررسی تطورات سیاستی در حکمرانی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

حسین پرکان*

چکیده تفصیلی

مقدمه و اهداف

در فرایند سیاستگذاری، بررسی تطورات سیاستی در هر مسأله یا موضوع، امری است اجتناب‌ناپذیر، تا بتوان تجربیات گذشته را چراغ راه آینده سیاستگذاری قرار داد. این امر مستلزم استخراج مدلی درخور است که با آن بتوان توصیف هوشمندانه از عملکرد واقعی سیاستگذار در دستیابی به اهدافش ارائه کرد. فقدان مدلی شایسته در بررسی‌ها، انتزاعی بودن مدل‌ها، عدم پوشش پروسه‌های واقعی خط‌مشی‌گذاری در بررسی‌ها، فاصله گرفتن سیاستگذار از تکالیف کلان و استغراق در جزئیات، مهم‌ترین براهینی است که مثبت احتیاج سیاستگذاران، بویژه سیاستگذاران حوزه فرهنگ به برخورداری از الگویی شایسته در این خصوص است. هدف پژوهش حاضر، طراحی الگوی مفهومی کارآمد و موثر در بررسی تطورات سیاستی در حکمرانی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است.

روش

با انتفاع از اسلوب تحقیق اکتشافی و استراتژی تئوری مفهوم‌سازی بنیادی و با مصاحبه با ۶۱ نفر از متخصصین و دست‌اندرکاران در دستگاه‌ها و نهادهای ذیربط، مدل مذکور استخراج شد. بمنظور تحلیل داده‌ها از شیوه مقایسه مداوم در مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی بهره گرفته شده است. مبتنی بر کدگذاری‌های صورت گرفته، نخست ۸۷۰ کد اولیه، مشخص شد. بررسی روایی تحقیق، بر عهده مصاحبه‌شوندگان و متخصصین بوده که مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین با بهره‌برداری از شیوه مطالعه حسابرسی فرآیند پایایی تحقیق نیز مورد تأیید قرار گرفت.

نتایج

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که الگوی مفهومی بررسی تطورات سیاستی در حکمرانی فرهنگی ج.ا.ا، یک ماتریس سه بُعدی، واجد ۱۱ طبقه (نوع فعالیت سیاستی) به جهت فرایندی و ۱۱ مقوله (جنس فعالیت سیاستی) به جهت شکلی و هشت دسته به جهت محتوایی می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

انواع فعالیت های سیاستی شامل موارد زیر است:

۱. اجرایی و تصدی‌گرایانه (مباشرتی)
۲. حمایت معنوی (هدایتی)
۳. حمایت مادی
۴. مشارکتی (سهیم در اجرا)
۵. سیاستگذاری و برنامه‌ریزی
۶. تقنینی
۷. نظارتی
۸. صدور مجوز
۹. هماهنگی تعاملاتی
۱۰. ستادی مدیریتی عمومی
۱۱. تقابل با جریان توسعه‌ای و ترویجی

جنس فعالیت های سیاستی شامل موارد زیر می باشد:

۱. آموزشی
۲. پژوهشی
۳. هنری
۴. استعدادیابی
۵. حفظ و نگهداری آثار موسیقایی
۶. مالکیت مادی و معنوی اثر
۷. تبلیغی ترویجی
۸. رسانه ای
۹. تملک و تجهیزات نرم افزاری و سخت افزاری
۱۰. مجازی و رسانه‌های دیجیتال
۱۱. ستادی و مدیریتی تخصصی

هشت دسته محتوایی نیز شامل موارد زیر است:

۱. عرفی‌گرایی یا سکولاریزم
۲. دموکراتیزاسیون
۳. توسعه‌گرایی و مدرنیزاسیون
۴. ملی‌گرایی در سایه امت‌گرایی
۵. اصلاحات اجتماعی و اقتصادی
۶. خانواده‌گرایی
۷. شریعتمداری
۸. انقلابی‌گری

در پایان، پیشنهاد می‌شود با بهره‌گیری از مدل ارائه شده در این تحقیق و با استفاده از شیوه‌های علمی و کاربردی، آسیب‌های نظام حکمرانی و سیاستگذاری فرهنگی شناسایی و مبتنی بر آن سیاست‌های کلان و بخشی جمهوری اسلامی ایران در حوزه فرهنگ، تدوین گردد. **واژگان کلیدی:** خط‌مشی‌گذاری، تطورات سیاستی، طراحی مدل، تئوری مفهوم‌سازی بنیادی، فرهنگ، حکمرانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

سیاست‌گذاری، از جمله مطلوبات و ایدئال‌های جمعی افراد است. حکومت‌ها به امید مدیریت بهتر، که اساس تولید و توزیع منافع جمعی دیگر و بستر ساز پیگیری منافع شخصی است، سیاست‌هایی را اتخاذ می‌کنند؛ لیکن نوعاً و اکثراً از اینکه سیاست چیست و از چه اصول، مؤلفه‌ها، و چه پیش‌فرض‌ها و پیش‌نیازهایی برخوردار است، فهم دقیق، عمیق، سنجیده و قابل دفاعی ندارند. این است که اکثراً این سیاست‌ها محقق نشده و به یأس منتهی می‌شود.

از جمله لوازم رفع کاستی‌های این چرخه، تقدیم سؤال «سیاست‌گذاری به چه نحو است؟»، بر سؤال «چه کسی باید سیاست‌گذاری کند؟» می‌باشد. اهتمام به سیاست‌گذاری در تدبیر امور، مستلزم تئوری واضح و قابل دفاع راجع به عناصر، اقتضائات و موانع تحقق آن است. با توجه به رابطه گسترده حکمرانی و سیاست‌گذاری، می‌توان مدعی شد: تئوری‌پردازی در خصوص سیاست‌گذاری، دارای سابقه طولانی است و مراحل مختلفی را طی کرده است.

یکی از عجایب مدیریتی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران این است که با وجود گذشت چهار دهه از شکل‌گیری آن، تاکنون هیچ الگوی مفهومی مورد وفاق و مبین در این عرصه یافت نمی‌شود؛ حتی برای برگزاری و تولید انواع آثار فرهنگی، شاخص یا ضوابط روشن و شفاف‌ی به جهت محتوایی یافت نمی‌شود.

آنچه در میدان عمل در این چهار دهه رقم خورده، این بوده است که با روی کار آمدن طیف‌های مختلف سیاسی، خط‌مشی‌ها و سلیقه‌ها دگرگون شده و متناسب با این دگرگونی‌ها، فضا برای بروز و ظهور بعضی از انواع فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها و اهالی آن فراهم و برای بعضی از بین رفته است. این مهم سرخوردگی‌ها و چالش‌های فراوانی را می‌تواند به همراه داشته باشد.

خط‌مشی‌های فرهنگی جمهوری اسلامی، مجموعه‌ای پراکنده از فعالیت‌های سیاستی موجود برای گزینش یا رد آثار فرهنگی بوده است. خط‌مشی‌هایی که می‌توان با آن پدیده‌ها و رخداد‌های مختلف را با اسلوب فرهنگی تحلیل کرد و به دلیل فقدان الگویی مشخص، خط‌مشی‌گذاران فرهنگی، امروزه از ناتوانی‌هایشان در تحقق خواسته‌هایشان آگاه‌تر شده‌اند. در واقع، خط‌مشی‌گذاران با پیوستارهای گسترده‌ای از بلا تکلیفی‌ها در حوزه فرهنگ مواجه هستند که باید با انتخاب موضع شفاف و منسجم نسبت به آن و با بهره‌برداری از الگوهای کارآمد و مورد وفاق، کارها را پیش ببرند.

در این دوران، سیاست‌گذاران، بیشتر از گذشته به گردآوری، ایجاد و انباشت داده‌ها مشغول هستند. پردازش این داده‌ها و تبدیل آن به اطلاعات قابل استفاده در وهله تصمیم‌گیری، موجد

چالش بزرگی بوده است. سیاست‌گذاران، نیازمند دسترسی به داده‌هایی هستند که از نظام‌های گوناگون، منتج شده باشد و قالب آن به گونه‌ای باشد که اشراف کامل‌تری را برای آنها حاصل کند.

نظام‌های اطلاعات مدیریت، همواره حامی مدیران در عمل به تکالیف خویش، بوده‌اند؛ لیکن این حمایت‌ها، فاقد هماهنگی و یکپارچگی بوده است. درواقع، این سیستم‌ها نتوانسته‌اند اشراف اطلاعاتی و قدرت حکمرانی را برای مدیران به شکل اثربخش فراهم نمایند. دلایل متعددی را می‌توان در عدم این توفیق ذکر کرد؛ لیکن آنچه که از همه ضروری‌تر به نظر می‌رسد و اساساً پیش شرط تحقق دیگر موارد است، برخورداری از الگوی مفهومی در چرخه سیاست‌گذاری به منظور فهم تطورات و نیز تحلیل وقایع است. این مهم نیز خود مستلزم دو شرط حداقلی است: الف) فهم آن میسر باشد و ب) قابلیت اجرا داشته باشد. بنابراین، بهترین راهکار در طراحی چنین الگویی، رفتن به سراغ خبرگان و اهالی سیاست‌گذاری فرهنگی به منظور استفهام و صورت‌بندی واقعیت است.

امروزه فناوری اطلاعات به ایجاد دیدگاه‌های جدیدی در طراحی مدل‌ها و نظام‌ها منجر شده است. اهمیت شناخت هوشمندانه و روشمند تطورات سیاستی، موردنیاز سیاست‌گذاران است تا با افزایش اشراف اطلاعاتی بتوانند به تقویت و ثبات نظام حکمرانی در حوزه فرهنگ کمک کنند. ازاین‌رو، فهم این نظام‌ها به‌ویژه از جهت سیاست‌گذاری اهمیت دارد و باید در راستای حمایت و هوشمندکردن فرآیند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی بررسی و تکمیل شود.

در اینجا منظور از هوشمندسازی به فرآیند تبدیل داده خام به اطلاعاتی درخور گفته می‌شود که یاری می‌کند تا تصمیم‌های چالاک‌تر و باکیفیت‌تری اتخاذ و مبتنی بر اطلاعات درست اقدام شود (Ong, Siew & Wong, 2011, 261-275). ازاین‌رو، در طراحی مدل‌ها و نظام‌های تصمیم‌گیری، باید ملتفت جریان درست داده‌ها و پردازش و تبدیل آن به دانش بود. درواقع، سیاست‌گذاران با بهره‌گیری صحیح و بجا از داده‌ها می‌توانند فرآیندهای تصمیم‌گیری را کارآمدتر کنند. لذا حوزه فرهنگ نیز با توجه به فراوانی داده‌های بیرونی و درونی، مستلزم مدلی درخور است تا سیاست‌گذاران فرهنگی بتوانند به نیکوترین شکل، وظایف خود را انجام دهند.

در واکاوی‌های صورت گرفته در حوزه فرهنگ، برپایه انجام مصاحبه‌ها و بررسی اسناد، مشخص شد که فرآیند معینی در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران موجود نیست. ازاین‌رو، حل این مسئله، نوآوری این پژوهش را دربرمی‌گیرد. البته تمرکز این تحقیق، بر کشف الگوی تطوری سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی است، نه طراحی الگوی سیاست‌گذاری. درواقع، با ایجاد امکان بررسی تطورات، امکان طراحی الگوی مناسب سیاست‌گذاری میسر خواهد بود. این امکان، باعث نمایاندن کژکارکردها در فرآیند سیاست‌گذاری

شده و ضرورت روابط میان نهادها و بخش‌ها و انسجام بین فرآیندها را القاء خواهد کرد تا سیاست‌گذار در مسائل گوناگون، چالاک‌تر، شایسته‌تر و نظام‌مندتر عمل کند.

با توجه به اهمیت موضوع، اهتمام پژوهشگر در این پژوهش، طراحی مدل مفهومی بررسی تطورات سیاستی در حکمرانی فرهنگی است. بنابراین، سؤال اصلی که این تحقیق در پی پاسخگویی به آن می‌باشد این است که: الگوی مفهومی درخور و مؤثر برای بررسی تطورات سیاستی در حکمرانی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ بنابراین، هدف اصلی این تحقیق عبارت است از: طراحی الگوی مفهومی مناسب بررسی تطورات سیاستی در حکمرانی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

مبانی نظری پژوهش

در این قسمت با توجه به موضوع پژوهش، مبانی نظری و پیشینه تحقیق، مباحث اصلی آن، یعنی «فرهنگ»، «حکمرانی»، «خط‌مشی‌گذاری فرهنگی»، «تطورات» و «الگوی مفهومی»، به ایجاز تبیین شده است.

۱. فرهنگ

گسترده‌گی معنایی و شمول مفهوم فرهنگ سبب شده است که بسیاری از امور انسانی و پدیده‌های اجتماعی تحت پوشش و سیطره این مفهوم قرار گیرد و امور اجتماعی و انسانی توسط آن توصیف، تشریح و تبیین شود. به همین جهت تعاریف و خصوصیت‌های مختلفی از این مفهوم ارائه شده است؛ زیرا افراد با توجه به جهان‌بینی‌ها، ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و نوع استفاده و کاربرد موردنظر، این مفهوم را تعریف و طبقه‌بندی می‌کنند. از این مباحث می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که در انتخاب هر نوع تعریفی از فرهنگ باید رابطه تعریف با موضوع مطالعه مدنظر قرار گیرد (جانباز و بیات، ۱۳۹۰، ص ۱۳-۱۴).

تعریف فرهنگ براساس تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی، «نظام‌واره‌ای است از عقاید و باورهای اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد» (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲). کروبر و کلکهن تعاریف متعدد فرهنگ را در شش دسته تعاریف توصیفی، تاریخی، هنجاری، روان‌شناختی، ساختاری و ژنتیکی ارائه کرده‌اند. اما درک از فرهنگ با توجه به مأموریت این پژوهش دستخوش دگرگونی است و حول مضامین زیر خواهد بود:

الف) فرهنگ مورد نظر این تحقیق به تقابل با چیزهای مادی، فناورانه، و امور دارای ساختار اجتماعی تمایل دارد. هرچند پذیرفتنی است که ممکن است بین فرهنگ و آنچه ذکر شد، روابط پیچیده تجربی وجود داشته باشد، ولی ضمناً می توان نشان داد که لازم است فرهنگ را به عنوان چیزی درک کرد که کاملاً متمایز است از آنچه در مجموع «راه و رسم زندگی» نامیده می شود و مجردتر از آن است؛

ب) فرهنگ مورد نظر این تحقیق به منزله قلمروی امر فکری، معنوی و غیرمادی در نظر گرفته می شود. فرهنگ به عنوان عرصه سازمان یافته باورها، ارزش ها، نمادها، نشانه ها و گفتمان ها درک می شود؛

ج) در این تحقیق بر «استقلال فرهنگ» تأکید می شود. این نکته بدان معناست که نمی توان فرهنگ را بازتاب محض قدرت های زیربنایی اقتصادی، تقسیم قدرت، یا نیازهای ساختاری اجتماعی توصیف کرد یا به چنین توضیحی از فرهنگ بسنده کرد؛

د) تلاش می شود حتی المقدور، فرهنگ از نظر ارزشی خنثی و بی طرف باشد. مطالعه فرهنگ محدود به هنرها نیست؛ بلکه بر همه جنبه ها و سطوح زندگی اجتماعی تسری دارد. ایده هایی که در آنها صحبت از فرادستی یا فرودستی فرهنگ در بین است، در این تحقیق جایی نداشته باشد (فیلیپ اسمیت، ۱۳۹۳، ص ۱۵-۱۷). از این رو، این تحقیق تعریف مختاری از فرهنگ ندارد.

۲. حکمرانی

با مرور تعاریف متعدد ارائه شده برای حکمرانی، می توان این تعاریف را در دو دسته جای داد؛ تعاریفی که واژه حکمرانی را به صورت عام تعریف می نمایند و تعاریف دیگری که در بیان خود به نظریه «حکمرانی خوب» نظر دارند. مهم ترین تعریف، از نوع اول، تعریف بانک جهانی و سازمان ملل از این اصطلاح است. بانک جهانی حکمرانی را چنین تعریف می کند: «روش ها و نهادهایی که به وسیله آنها اقتدار در یک کشور به کار گرفته می شود». این تعریف شامل این نکات است: ≠ فرآیندهایی که به وسیله آنها دولت ها انتخاب شده، مورد نظارت قرار گرفته و جایگزین می شوند؛

≠ ظرفیت دولت برای فرموله کردن و اجرای مؤثر خط مشی های خوب و...؛

≠ احترام شهروندان و حکومت به نهادهایی که تعاملات اقتصادی و اجتماعی میان آنها را اداره

می کنند (Kaufmann & others, 1999, p.1).

حکمرانی در معنای دوم، بر مفهوم شراکت به جای مشارکت تأکید دارد. مشارکت به این مفهوم است که دولتی در بالا قرار دارد و بقیه اجزا و بازیگران در پایین قرار داشته و دولت مشارکت آنها را خواستار می‌شود؛ ولی شراکت به این معناست که بازیگران مختلف نظیر یک شرکت، هر یک منابعی با خود می‌آورند و در امری با یکدیگر شراکت می‌کنند. در این حالت همه بازیگران (شامل دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی) در کنار هم نقش‌ها و مسئولیت‌های مشخص خود را انجام می‌دهند که مجموعه این نقش‌ها به اداره امور کل کشور منتهی می‌شود (منوریان، ۱۳۷۹، ص ۱۹).

نقدهای فراوانی به لحاظ نظری و عملی بر نظریه حکمرانی خوب وارد شده که لزوم پرداختن به نظریه‌ای بومی و اسلامی در این خصوص را روشن می‌کند. با توجه به موضوع و مسئله این تحقیق که کلیت حکمرانی را مدنظر دارد، در نتیجه اصطلاح حکمرانی از منظر عام آن مورد نظر خواهد بود. بنابراین، تعریف بانک جهانی، با توجه به پوشش مباحث این تحقیق، به عنوان تعریف مختار در نظر گرفته شده است.

۳. خط‌مشی‌گذاری فرهنگی

خط‌مشی‌گذاری فرآیندی بغرنج، جاری و سیاسی است (Buse, Mays & Walt, 2012, pp. 1-236). چنان‌که خط‌مشی‌گذاری به مثابه یک فرآیند و نه یک پدیده یکتا و یک تجویز برای تمامی فعالیت‌ها، توصیف شود، نیکوتر قابل شناخت و درک خواهد بود (Dunn, 2003, pp. 2-3). در این پژوهش از خط‌مشی به مثابه هدف‌های کلان در سازمان‌ها یاد می‌شود که در صورت وجود شفافیت کافی و شکستن آن به هدف‌های معین و واقعی می‌تواند به مثابه خط‌مشی‌گذاری، اساس اقدام قرار گیرد (فروزنده و وجدانی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۸). در واقع، فرآیند خط‌مشی‌گذاری در این تحقیق، حاوی گام‌های معین در تبدیل مسئله‌های مهم و مبنایی، به هدف‌های معین و حقیقی است. همان‌طور که تعاریف متعدد و متنوعی از فرهنگ ارائه شده است، به دنبال آن تعاریف متنوع و گسترده‌ای از خط‌مشی‌گذاری فرهنگی نیز ارائه شده است که در ادامه به بعضی از آن اشاره می‌شود:

- خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، پرداختن به نظام‌مندی و مدیریت فرهنگ به‌ویژه در نهادهای دولتی است که با تولیدات فرهنگی یا کنترل فرهنگی مواجه می‌باشند که حاوی رفع مسائل فناورانه فرهنگی، ارزش‌های فرهنگی و قدرت اجتماعی چه در حوزه تولیدات و چه در حوزه تعاریف نمادین فرهنگ است (Barker, Chris, 2004, p. 40).

- خط‌مشی‌گذاری فرهنگی اقدام دولت‌ها بر مبنای خط‌مشی روشن برای پیاده‌سازی اهداف و فلسفه‌ای از پیش تعیین شده در امور فرهنگی است (ایوبی، ۱۳۸۸، ص ۱۶).
- خط‌مشی‌گذاری فرهنگی عبارت است از: «تعیین خط‌مشی‌ها و استراتژی‌های کلان فرهنگی برای رسیدن به اهداف چهارگانه توسعه فرهنگی یعنی همکاری‌های فرهنگی، مشارکت فرهنگی، میراث فرهنگی و هویت فرهنگی که یونسکو اولین بار با ارائه مفهوم توسعه فرهنگی آن را مطرح نمود» (حسین‌لی، ۱۳۷۹، ص ۲)؛
- به مجموعه اقدامات دولت که به منظور ترمیم و بهبود حوزه فرهنگ انجام می‌شود، خط‌مشی فرهنگی اطلاق می‌شود. این اقدامات ممکن است به صورت مداخله، نظارت و یا اجتناب از هرگونه مداخله در حوزه فرهنگ روی دهد (نائینی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۰). با توجه به اینکه اسلوب این پژوهش در بررسی سیستم خط‌مشی‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بررسی نحوه ورود یا عدم‌ورود دولت در هر حوزه فرهنگی و نیز بررسی میزان و نحوه حضور آن است، این تعریف، تعریف مختار این پژوهش است.

۴. الگوهای نظوری

در طول چهل سال گذشته، توجه و تحقیق راجع به تطورات در موضوعات مختلف، به‌ویژه اقتصاد، رشد عمده‌ای داشته و تعداد آثار پژوهشی که در آن کلمه «تطور» به‌عنوان کلمه کلیدی استفاده شده است، با رشد زیادی روبه‌رو بوده است (Silva & Teixeira, 2009, pp. 605-642). از این رو، با توجه به التفات بیش‌ازپیش پژوهشگران، به این موضوع در علوم مختلف، لازم است تا محققان فرهنگی نیز با بهره‌گیری از دستاوردهای علمی در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه اقتصاد (با توجه به اینکه حوزه اقتصادی نیز همانند فرهنگ، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد) بینش و آگاهی درخوری راجع به این روش و شیوه‌های مدل‌سازی براساس آن کسب نمایند.

در واکاوی این تحقیقات، به‌وضوح دیده می‌شود که تئوری‌های ارائه‌شده، غالباً از جهت روشی، سازگاری لازم برای انجام مقایسه یا آزمون معتبر در مواجهه با واقعیت‌ها را ندارند؛ از این رو، الگوی تطوری که برای پژوهشگران در حوزه حکمرانی فرهنگی طراحی می‌شود، نباید گیج‌کننده باشد. بنابراین، طراحی قالبی که واجد پیوستار وسیعی از نظرات گوناگون در این اسلوب باشد، بسی سودمند و بایسته است. بنابراین، در این پژوهش، سعی شده با اتکای بر اشتراکات الگوهای تطوری و نیز وضعیت فعلی عملکردی نهادها و دستگاه‌های سیاست‌گذار فرهنگی، شیوه مدل‌سازی، درخور این روش باشد. در واقع، به معرفی و تبیین الگوی مفهومی سازگار با اسلوب تطوری پرداخته شده است.

اغلب در تحقیقات، فرهنگ به مثابه سازوکاری درهم تنیده در نظر گرفته می شود که حاوی زیرنظام ها و سطوح گوناگونی است که با فرآیندهای بازخوردی مؤثر، با همدیگر مرتبط هستند. در واقع، فرآیندهای گزینش و دگرگونی در هر کدام از زیرنظام ها، بر دگرگونی کل محیط تأثیرگذار است. از این رو، ابزارهای ریاضی گوناگونی مانند نقاط ثابت،^۱ مباحث همگرایی و غیره، با وجود استفاده زیاد این شیوه ها در تحلیل روابط اقتصادی، در حوزه فرهنگ، کاربردی ندارند.

در الگوی تطوری، فرض بر این است که سیاست ها در حالت مطلوب قرار ندارند و هرگونه تغییری، وابسته به تعاملات مؤلفه های فراوانی است که قادرند به موازات همدیگر عمل کنند و الگوی تطوری، امکاناتی را جهت به دست آوردن این خصوصیات، تهیه می نماید. در حوزه اقتصادی، به منظور ارائه قالب الگوسازی تطوری، نظرات توسعه ای مجزایی همچون تئوری بازی تطوری،^۲ فنون محاسبه تطوری^۳ و مدل سازی مبتنی بر چندعاملی^۴ مطرح شده اند. همچنین، از شیوه های ریاضی مختلفی مانند تحلیل پویایی های غیرخطی (مبتنی بر معاملات تفاضلی و دیفرانسیل)، فرآیندهای تصادفی و الگوریتم های تطوری در این الگوها استفاده شده است (خلیلی عراقی و میرزایی قزانی، ۱۳۹۳، ص ۴۹). فصل مشترک تمامی مدل های تطوری در سه عامل «تنوع»، «نوآوری» و «عقلانیت محدود»^۵ (به عنوان مؤلفه های سازنده الگوهای تطوری)، خلاصه می شود (همان، ص ۵۱) که در ادامه به اختصار توضیح داده می شود:

تنوع

هسته مرکزی هر الگوی تطوری، یک جمعیت ناهمگن است؛ جمعیتی که با تنوع داخلی مشخص شده است. در مدل های تطوری، تنوع در چارچوب شیوه های گوناگونی رسمیت پیدا کرده است. این مسئله پیوستار وسیعی از فرصت ها را جهت فهم ناهمگونی مهیا می کند (همان، ص ۵۲).

نوآوری

نوآوری به مثابه خصوصیت ذاتی هر نظام تطوری به شمار می آید و برای ایجاد خصوصیت تنوع در جامعه هدف، بودن آن، ضرورت دارد. لیکن با توجه به اینکه نوآوری اساساً دارای ویژگی

-
1. Fixed Points
 2. Evolutionary Game Theory(EGT)
 3. Evolutionary Computation
 4. Multi-Agent
 5. Bounded Rationality

عدم اطمینان است، در اکثر الگوهای تطوری، تصادفاً مطرح می‌شود. در ضمن نوآوری در اسلوب تطوری ممکن است به صورت جدیدی از الگوی زمانی تجلی پیدا کند. در این حالت، تغییر کامل یک سازمان، به وسیله نوآوری حاصل می‌شود (همان، ص ۵۲-۵۳).

عقلانیت محدود

هنگامی که در تصمیم‌گیری موانعی همچون محدودیت اطلاعاتی، وسعت مسئله، محدودیت‌های شناختی ذهن و محدودیت زمانی وجود داشته باشد، مفهوم عقلانیت محدود مطرح می‌شود. در چنین شرایطی، راهکار رضایت‌بخش جایگزین راهکار بهینه خواهد شد. در واقع، عقلانیت محدود به مثابه راه‌حلی به جای مدل‌سازی ریاضی تصمیم‌گیری، در علم اقتصاد، علوم سیاسی و رشته‌های مربوطه قابل بهره‌برداری است. در مقابل، «عقلانیت کامل به عنوان بهینگی»، اشاره به تصمیم‌گیری کاملاً مبتنی بر فرآیند عقلایی با هدف یافتن راه‌حلی بهینه با استفاده از اطلاعات موجود دارد (Simon, 1955, pp. 99-118).

تئوری عقلانیت کامل، افراد را واجد قوه محاسباتی قوی تلقی می‌کند؛ در حالی که مشورت عقلانی ممکن است به سادگی با محرک‌های احساسی بلااستفاده بماند. در واقع، تصمیم عقلانی در هر شرایطی عقلانی است؛ در حالی که در تئوری عقلانیت محدود، بر شرایط افراد در محیط نیز تأکید می‌شود (Gigerenzer & selten, 2001, p.15).

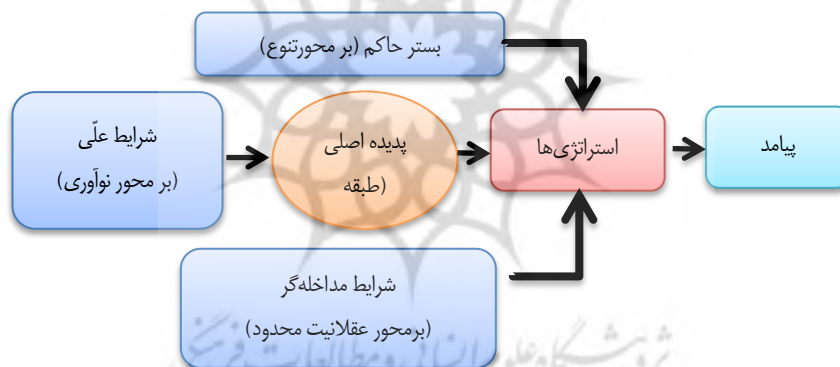
۵. الگوی مفهومی

الگوسازی به معنای ایجاد انتزاعی از نظامی است که بر ابعادی قابل توجه متمرکز شده و جزئیات نامربوط را نادیده می‌گیرد و نظام را تجزیه می‌کند (Bruegge & Dutoit, 2010, p. 6). در واقع، الگوسازی با هدف شناخت بهتر و سهل‌تر عوامل و متغیرهای موجود در مورد مسئله استفاده می‌شود (الوانی، ۱۳۸۷، ص ۵۲). وقتی صحبت از الگوسازی می‌شود که یک یا چند عامل با همدیگر عمل کنند و ضمن اثرگذاری بر یک متغیر، بر همدیگر نیز اثر متقابل داشته باشند (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۴). الگوها یکی از وسایل اصلی علم در دوران معاصر هستند (Frigg & Hartmann, 2012). الگوسازی مفهومی، کاری است در هم‌تنیده که حاوی فهم محتوای یک موضوع و ایجاد یک محصول مصنوعی نمادین به منظور نشان دادن موجودات گوناگون در آن حوزه یا موضوع است (Carvalho & Almeida, 2018, pp. 205-231). در استخراج یک الگوی

مفهومی تلاش می‌شود جهان اجتماعی را مبتنی بر آرایشی از مفاهیم مرتبط، یا یک طرح مفهومی، نمایش داده شود (Krausz and Miller, 1974, p. 5).

باتوجه به اینکه این پژوهش به دنبال ارائه الگوی مفهومی با بهره‌برداری از نظریه داده‌بنیاد است، بنابراین، چارچوب مفهومی استفاده شده در پژوهش حاضر، در چارچوب کدگذاری محوری براساس مدل پارادایم^۱ می‌باشد که باتوجه به نکات مطرح شده در بخش الگوهای تطوری و سیاست‌گذاری فرهنگی، در شکل یک ارائه شده است (توضیحات تفصیلی در بخش‌های روش و دستاوردها ارائه می‌شود).

از این رو، در این تحقیق، سعی شده تا براساس اصول کلی حاکم بر اسلوب تطوری مانند ناهمگونی در رفتار تصمیم‌گیران، عقلانیت محدود، نوآوری و نشر شیوه‌های الگوسازی، الگوی جایگزینی ارائه و امکان تحلیل شایسته‌تر و عینی‌تر سیاست‌های فرهنگی فراهم آید. البته همچنان تعداد زیادی از شیوه‌های تطوری مطرح در حوزه‌های مختلف، نابالغ هستند؛ لذا سعی شده تا به منظور بهره‌برداری از تئوری‌های مطرح در دیگر حوزه‌ها، امکان ارائه تئوری جامع‌تری مهیا شود.



شکل ۱: چارچوب مفهومی تحقیق

چنان‌که در شکل ۱ نشان داده شده است، رابطه مضامین با پدیده اصلی ذیل پنج عنوان قابل تحقق است (Straus & Corbin, 2008, p. 112):

۱. شرایط علی: منظور شرایطی است که سبب ایجاد پدیده اصلی می‌شود. این شرایط مجموعه‌ای از طبقات و خصوصیات آن است که مقوله اصلی را متأثر می‌کند. چنان‌که ذکر شد، یکی از اجزای اصلی در همه الگوهای تطوری، مفهوم «نوآوری» است که مهم‌ترین چالش در

۱. مدل صوری که در آن مقوله‌های عمده حول مقوله‌های هسته به تصویر کشیده شده و روابط بین آنها ترسیم می‌شوند.

عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی را به‌عنوان شرایط علی می‌تواند دربرگیرد. از یک‌سو، ذات فعالیت‌های فرهنگی که عمدتاً با نوآوری عجین شده است و از سوی، نگرانی‌های شرعی نسبت به بدعت‌آمیز بودن نوآوری‌ها و انحراف از چارچوب‌های اسلامی، محوریت مفهوم «نوآوری» را در سیاست‌گذاری فرهنگی در جامعه اسلامی مورد تأکید قرار می‌دهد؛

۲. راهبردها: شامل کنش‌ها و تعاملات است. در واقع، بیانگر رفتارها، واقعیت‌ها و تعاملات هدفمندی است که متأثر از شرایط مداخله‌گر و بستر حاکم به‌دست می‌آید؛

۳. بستر حاکم: به شرایط ویژه‌ای که بر راهبردها مؤثر است و تشخیص آن از شرایط علی سخت می‌باشد و مشتمل بر مجموعه‌ای از مفاهیم، طبقات یا متغیرهای زمینه‌ای است. در برابر شرایط علی مجموعه‌ای از متغیرهای فعال است. بعضی مواقع در طبقه‌بندی متغیرها، متغیرهای مرتبط‌تر را در طبقه علی و متغیرهای کمتر مرتبط را در بستر حاکم قرار می‌دهند.

در مقوله سیاست‌گذاری فرهنگی، تا زمانی که همه‌چیز، یک دست باشد و نه در درون و نه از بیرون آن، هیچ تغییری در کار نباشد و در اصطلاح با یک بستر ثابت فرهنگی مواجه باشیم، اساساً می‌توان گفت که سیاست‌گذاری فرهنگی بی‌معناست. چون شروع سیاست‌گذاری، با بروز و ظهور مسئله است. وقتی بستر حاکم، ثابت باشد و هیچ صدای دیگری مطرح نباشد، هنوز آن فرهنگ، با مسئله‌ای مواجه نشده است. بنابراین، «تنوع» در همه ابعاد فرهنگ، محوری‌ترین عامل را در بستر حاکم در سیاست‌گذاری فرهنگی تشکیل می‌دهد. تنوع در قومیت‌ها، ادیان، مذاهب، جغرافیا، سبک زندگی و غیره از یک طرف و ماهیت خلاقانه آثار فرهنگی از طرفی دیگر، محوریت مفهوم «تنوع» را که یکی از اجزاء اصلی همه الگوهای تطوری است، در «بستر حاکم» به اثبات می‌رساند؛

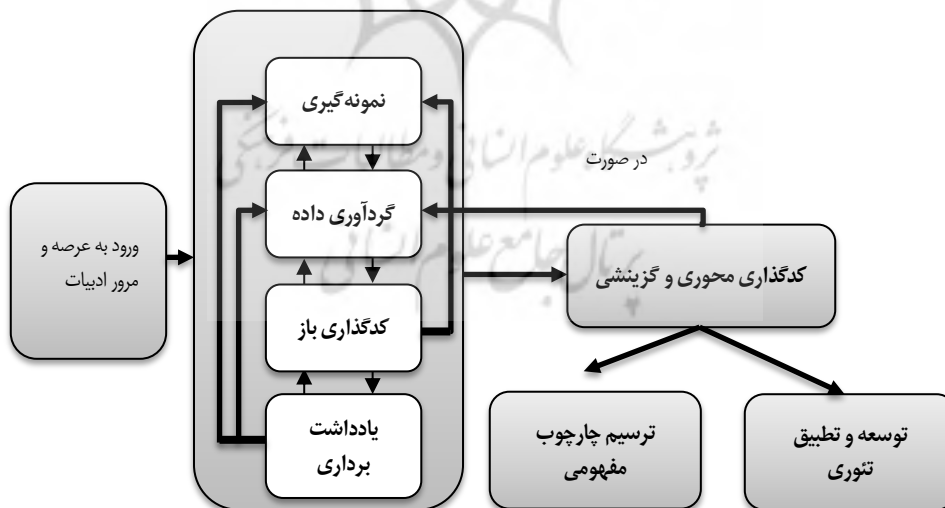
۴. شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر، شرایط ساختاری هستند که مداخله دیگر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند و صبغه علی و عمومی دارند. همچنین، بر راهبردها نیز تأثیرگذارند. بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت که راهبردها و سیاست‌ها در عقلانیت کامل اتخاذ شوند. از این‌رو، مداخله شرایط مختلف، مستلزم اتخاذ رویکرد عقلانیت محدود در سیاست‌گذاری است. «عقلانیت محدود» در سیاست‌گذاری فرهنگی، محوری‌ترین عامل را در شرایط مداخله‌گر به‌منظور تصمیم‌گیری و انتخاب تشکیل می‌دهد. پیچیدگی‌های حوزه فرهنگ از یک‌سو، و ماهیت پیچیده سیاست‌گذاری از سوی دیگر، محوریت مفهوم «عقلانیت محدود» را، که یکی از اجزاء اصلی همه الگوهای تطوری است، در «شرایط مداخله‌گر» به اثبات می‌رساند؛

۵. پیامدها: بعضی از طبقات واجد دستاوردها و پیامدهایی است که تحت‌تأثیر راهبردها ایجاد می‌شوند که به اینها پیامد اطلاق می‌شود.

روش تحقیق

باتوجه به اینکه این تحقیق به دنبال تعمیم نتایج حاصل از یک مشاهده خاص در حوزه سیاست گذاری فرهنگی، به تئوری ای جامع تر است، از این رو، روش منتخب آن، نظریه داده بنیاد می باشد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۱). این پژوهش بر روی فرآیند استقرایی جمع آوری و تحلیل داده ها در خلق یا تکامل مفاهیم و تئوری ها در رابطه با فرآیندهای سیاست گذاری فرهنگی و عملکرد آن تأکید دارد. داده ها در این تحقیق، به شیوه دیالکتیکی گزاره هایی را تولید می کنند که استفاده از چارچوب های نظری قبل از خود را مجاز می سازد (همان، ص ۱۹۸).

تطورات سیاستی حوزه فرهنگ را از زوایای مختلفی می توان بررسی کرد؛ ولی نمی توان گفت کدام زاویه، به واقعیت نزدیک تر است و انعکاس بهتری از آن در بردارد. بنابراین، لازم است به شکل نظام مند و براساس داده های واقعی، الگوی سیاست گذاری فرهنگی در ایران استخراج شود تا بتوان مبتنی بر آن، تطورات سیاستی در حوزه فرهنگ را واکاوی کرد. در این تحقیق به منظور فراهم کردن شناخت نظری دقیق از تطورات سیاستی در حوزه فرهنگ، رفت و برگشت های زیاد میان تئوری (تحلیل داده ها) و میدان (گردآوری داده ها) صورت گرفته است (ایمان جاجرمی، ۱۳۸۴، ص ۱۶). همچنین، از روش نظریه داده بنیاد نظام مند، جهت پردازش داده ها بهره برداری شده است. این شیوه، واجد سه گام اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی است که مراتب آن در شکل ۲ نشان داده شده است.



شکل ۲: فرآیند روش نظریه داده بنیاد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۲۰۹)

جامعه آماری این تحقیق حاوی تمامی متخصصان و خبرگان سیاست‌گذاری فرهنگی (شامل مدیران بخش‌های مختلف فرهنگی، استادان سیاست‌گذاری فرهنگی، اهالی فرهنگ و...) است که به شیوه گلوله برفی برگزیده شده‌اند. شیوه گردآوری داده‌ها، شامل بررسی اسناد بالادستی (قانون اساسی، برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه، سند اصول و سیاست‌های فرهنگی ج.ا.ا، اساسنامه و آیین‌نامه‌های نهادها و دستگاه‌های فرهنگی و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴) و مصاحبه عمیق و باز می‌باشد. در این تحقیق با ۶۱ نفر مصاحبه شد که پس از مصاحبه ۵۱، شاهد تکرار در داده‌ها بودیم و در عمل، تحقیق به مرحله اشباع نظری وارد شده بود؛ ولی جهت کسب اطمینان، ۱۰ مصاحبه دیگر انجام شد.

روایی و پایایی داده‌ها

در واکاوی روایی این تحقیق، یافته‌های آن برای شرکت‌کنندگان ارائه شده و سپس ملاحظات آنان مدنظر قرار گرفته است. در پایان، نتایج این تحقیق به وسیله خبرگان (شامل یکی از مشاورین وزیر وقت فرهنگ، یکی از معاونین وزیر وقت فرهنگ، دو نفر از مدیران کل وزارت فرهنگ و جمعی از کارشناسان متخصص در این حوزه) بررسی و بازنگری شد و اصلاحات و تغییرات نهایی مورد توافق، اعمال شد. گفتنی است این بازبینی‌ها، شامل بیش از ۲۰ جلسه مباحثه بوده است.

در بررسی پایایی تحقیق، از شیوه مطالعه حسابرسی فرآیند استفاده شده است. یافته‌ها هنگامی امکان حسابرسی دارند که پژوهشگر دیگری قادر باشد، همان طریق‌گزینش مستعمل، توسط پژوهشگر سابق را در فرآیند مصاحبه، به‌طور واضح و شفاف طی کند و نشانگر همسازی تحقیق باشد. از این رو، پژوهشگر در این تحقیق، پایایی داده‌ها را با نشان دادن سیر گزینش‌ها و نیز قرار دادن همه داده‌های خام، تحلیل شده، کدها، مقوله‌ها، فرآیند مطالعه، اهداف ابتدایی و پرسش‌ها در فرآیند حسابرسی، صحت همه فرآیند پژوهش و تأییدات لازمه را به دست آورده داده است (رضایی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۶). برای این کار، در هر اداره کل استانی وزارتخانه فرهنگ و ارشاد، سه نفر انتخاب و پس از آموزش، مجدداً مسیر مصاحبه‌ها و کدگذاری‌ها، یک‌بار دیگر تکرار شد و نتایج، به‌طور کامل، همان‌گونه بود که قبلاً انجام شده بود.

همچنین، در این پژوهش از شیوه توافق درون‌موضوعی به‌منظور احتساب پایایی مصاحبه‌ها بهره‌برداری شده است. از این رو، شش کدگذار به‌عنوان ارزیاب، از بین متخصصان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، انتخاب و از آنها درخواست شد تا یک‌بار دیگر کدگذاری نهایی انجام شود. نتیجه مجدداً مثبت بود و دستاوردها، همان دستاوردهای قبلی بود (همان، ص ۱۰۷).

یافته‌های پژوهش، مبتنی بر شیوه نظام‌مند در روش نظریه داده‌بنیاد

مبتنی بر روش تحقیق یادشده در بخش قبل، یافته‌های پژوهش، طی سه گام ذیل محقق شده است که در ادامه به شرح آن پرداخته می‌شود.

گام اول: کدگذاری باز

منبع اطلاعاتی اصلی این تحقیق، شامل اسناد بالادستی، ساختار سازمانی، شرح وظایف هر بخش و هر پست سازمانی و مصاحبه می‌باشد. مصاحبه‌های اولیه به شکل اکتشافی و توصیفی بوده است و به تدریج پس از هر مصاحبه، کدگذاری صورت گرفته و با مقایسه مستمر داده‌ها، کدهای نظری به شیوه کدگذاری باز نمایان شده است. با همین رویه، کدگذاری تمامی مصاحبه‌ها و اسناد بالادستی صورت پذیرفت که به علت تحدیدات انتشاراتی، امکان ارائه تفصیلی آن نیست. این گام، خود در سه مرحله زیر انجام شده است:

مرحله اول، استخراج کدهای اولیه: به منظور استخراج مجموعه منظم از کدها و مفاهیم اولیه، که حاصل واکاوی دقیق و تفصیلی گزاره‌های هر مصاحبه و بررسی عمیق اسناد به موازات همدیگر بوده است، در مجموع، پس از پالایش مفاهیم، حدوداً ۸۷۰ کد اولیه به دست آمده است. در جدول ۱، به دلیل حجم بالای کدهای اولیه، صرفاً نمونه‌ای کوچک از آن ارائه شده است.

جدول ۱: نمونه کدهای اولیه تحقیق

کد تعیین شده
تهیه و پیشنهاد برنامه‌ریزی کلان
تدوین سیاست‌های اجرایی، هدایتی و حمایتی برای اعتلای موضوع موردنظر فرهنگی در ایران
اعمال نظارت، پیگیری، آموزش و ارائه تسهیلات و هماهنگی سازمان‌ها و نهادهای ذیربط برای بهبود کیفیت و فعالیت‌های هنری در دانشگاه‌ها
قیمت‌گذاری آثار تولیدی
حمایت از برگزاری جشنواره‌های تخصصی و تلاش برای افزایش وجهه هنری آنها
شناسایی و معرفی جشنواره‌های معتبر خارجی و حمایت از اعزام گروه‌های موجه به این جشنواره‌ها
ایجاد و راه‌اندازی وبگاه‌های اینترنتی در موضوع فرهنگی موردنظر به منظور اطلاع‌رسانی و در دسترس قرار دادن آثار برای علاقه‌مندان
تدوین مقررات مشخص و شفاف برای اجرای آثار صحنه‌ای و تولیدات فرهنگی و صدور مجوزهای موردنیاز
تلاش برای جذب اعتبار و اخذ مجوزهای لازم برای حمایت از تأسیس سالن، تالار استودیوهای تخصصی و...
نظارت بر برنامه‌ها و فعالیت‌ها
حمایت از پژوهش‌ها و مطالعات تخصصی و کاربردی برای شناخت امکانات و موانع رشد و توسعه
بررسی و بهسازی روش‌های انجام کار و طراحی و استقرار مناسب‌ترین آنها برای انجام فعالیت‌ها
صدور مجوز برای برنامه‌ها و فعالیت‌ها

کد تعیین شده
مطالعه و بررسی تکنولوژی‌های نوین در موضوع موردنظر فرهنگی در جهان
حمایت از حقوق قانونی و معنوی اهالی فرهنگ ایرانی در زمینه‌های مختلف
انجام امور نظارتی بر اجرای آثار صحنه‌ای و تولیدات برای صیانت از هویت فرهنگ ایران اسلامی و جلوگیری از انحطاط فرهنگی
برخورد فعال با موضوعات فرهنگی متداول و جاری در سطح جامعه برای ترویج ارزش‌های ایرانی و اسلامی
خرید آثار فرهنگی متناسب با نیاز برای تقویت تولید آثار
تهیه برنامه‌های اجرایی به‌منظور اجرای سیاست‌ها
برگزاری جلسات و نشست‌های تخصصی و پژوهشی در حوزه‌های مختلف در شهرستان‌ها
زمینه‌سازی جهت پرورش استعدادها، بروز خلاقیت‌ها و غنی‌سازی اوقات فراغت دانشجویان از طریق طراحی برنامه‌های فرهنگی، هنری
نظارت بر اجرای قانون و ضوابط فرهنگی و هنری مصوب در فعالیت‌های فرهنگی
تهیه، تنظیم و تصویب بودجه سالیانه و تلاش برای جذب بودجه سالانه
مطالعه و پژوهش به‌منظور ایجاد نظام ارزشیابی مناسب فعالیت‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی
تشکیل کارگاه‌های تخصصی آموزشی به‌منظور بهره‌گیری از تخصص و توان صاحب‌نظران و پیشکسوتان و انتقال آن به هنرمندان جوان
ایجاد بانک‌های اطلاعاتی در زمینه پژوهشگران، محققان، تولیدکنندگان و هنرمندان عرصه فرهنگی موردنظر
حفاظت از میراث فرهنگی کشور و تمهید زمینه‌های اعتلای آن
...

درواقع، پس از نخستین مصاحبه و نیز بعد از هر مصاحبه، فرآیند مفهوم‌یابی، برچسب‌گزینی و ترکیب مفاهیم انجام و به کدگذاری تمامی رویدادها توجه می‌شود. زمانی که داده‌ها، چندباره بازنگری می‌شود، کدهای جدیدی استخراج و کدهای نهایی تعیین می‌شود.

مرحله دوم) کدگذاری ثانویه و صورت‌بندی مقولات: به‌دلیل تکثر و ازدیاد کدهای اولیه، در این مرحله، آنها را باید به مقولات (جنس فعالیت‌ها) تبدیل کرد. در جدول ۲، بخش کوچکی از ثمرات کدگذاری باز بر مبنای مقولات نشان داده شده است.

جدول ۲: نمونه کدهای اولیه و مقولات (جنس فعالیت‌های سیاستی)

مقولات (جنس فعالیت)	کدهای اولیه
فعالیت‌های آموزشی	برگزاری دوره‌های تربیت مربی قرآن
	برگزاری دوره تربیت مربی صحیفه
	برگزاری دوره تربیت مربی نهج‌البلاغه
فعالیت‌های پژوهشی	طرح‌های پژوهشی در حوزه قرآن و عترت
	نظارت بر ترجمه‌های فارسی قرآن کریم
	نظارت بر فعالیت‌های چاپ کتاب
	صدور مجوز تأسیس مؤسسات واردکننده و صادرکننده کتاب
	صدور مجوز چاپ و نشر
	ابطال مجوز کتاب
فعالیت‌های تبلیغی ترویجی	برگزاری جشنواره‌های استانی قرآنی

مقولات (جنس فعالیت)	کدهای اولیه
	برگزاری جشنواره‌های ملی و بین‌المللی قرآنی
	نظارت و ارزیابی نمایشگاه‌های استانی و محلی قرآن و عترت
	برگزاری آزمون سراسری قرآن و عترت
	نقش‌آفرینی در فعالیتهای قرآنی از طریق حمایت از مؤسسات
	نظارت بر فعالیت مؤسسات فرهنگی قرآن و عترت
	پرداخت مابه‌التفاوت نرخ ارز به دانشجویان
	برگزاری مسابقه ملی آثار چاپی
	برگزاری جشنواره ملی صنعت چاپ
	برگزاری جشنواره‌های چاپ استانی
	دعوت از هنرمندان خارجی به منظور حضور در کشور
فعالیت‌های هنری	برگزاری ورک‌شاپ‌های فرهنگی و هنری با مضامین قرآن و عترت
	هدایت آثار سینمایی و هنری به ترویج فرهنگ قرآنی از طریق حمایت

در مجموع، ۱۱ مقوله (جنس فعالیت سیاستی)، مبتنی بر تحلیل کدهای اولیه، استخراج شده است که در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳: فهرست مقولات (جنس فعالیت‌های سیاستی) و توضیحات آن

مقولات (جنس فعالیت‌ها)	توضیح
آموزشی	ماهیت آن آموزشی است و ناظر به فعالیتهایی همچون دوره، کارگاه، نشست، اردو، اعزام، بازدید و... انجام می‌شود.
پژوهشی	ماهیت آن پژوهشی و تولید یا فراوری محتواست و ناظر به فعالیتهایی همچون کتاب، مقاله، ترجمه، بروشور و... است.
هنری	ماهیت آن هنری است و ناظر به فعالیتهایی همچون نقاشی، خطاطی، فیلم، تئاتر، و... است
استعدادیابی	ماهیت کشف و معرفی استعدادها و فرهنگی با هدف ایجاد فرصت‌های برابر در قالب برنامه‌های تلویزیونی، مسابقه و... انجام می‌شود.
حفظ و نگهداری آثار فرهنگی	ماهیت آرشیوی تخصصی دارد و با هدف حفظ و نگهداری آثار فرهنگی در قالب‌هایی همچون آرشیو، موزه و... انجام می‌شود.
مالکیت مادی و معنوی اثر	فعالیت‌های که ناظر به ثبت، کنترل و احقاق حقوق مالکیت‌های مادی و معنوی آثار فرهنگی انجام می‌شود.
تبلیغی ترویجی	ماهیت آن ترویج و تبلیغ آثار و محتوای فرهنگی است و ناظر به فعالیتهایی همچون انواع تبلیغات در قالب‌های مختلف می‌باشد.
رسانه‌ای	ماهیت آن رسانه‌ای و خبری است و ناظر به فعالیتهایی همچون نشریات، روزنامه‌ها و سایر و در قالب‌های نشست خبری، مصاحبه و گفتگوی خبری، بیانیه‌های مناسبتی، تیزرهای اطلاع‌رسانی و... است.
تملک و تجهیزات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری	شامل طرح‌های و پروژه‌های تملک دارایی و فعالیتهای مربوط به آن است.
مجازی و رسانه‌های دیجیتال	ماهیت‌های محتوایی مختلفی دارد، لیکن در بستر دیجیتال و فضای مجازی بروز و ظهور می‌یابد و ناظر به فعالیتهایی همچون نرم‌افزار، وبلاگ، سایت، شبکه‌ها، کانال‌ها و... می‌باشد.
ستادی و مدیریتی تخصصی	ماهیت ستادی و مدیریتی تخصصی دارد و جنس فعالیت صفی خاصی نیست.

مرحله سوم) کشف طبقات

در این مرحله به طبقه‌بندی خود مفاهیم بر مبنای ارتباط با موضوعات مشابه پرداخته می‌شود که پژوهشگر در این تحقیق، طبقات را به‌عنوان نوع فعالیت دسته‌بندی کرده است. عناوین طبقات، انتزاعی‌تر از مقولات است و می‌توانند تجمیع‌کننده مفاهیم بر محور خود باشند. عناوین منتخب را عمدتاً خود پژوهشگر برگزیده و تلاش بر ارتباط و هم‌سازی حداکثری داده‌ها با نشانه‌ها بوده است. البته از عباراتی که مشارکت‌کنندگان در تحقیق احیاناً به کار برده‌اند نیز به نحو مؤثر استفاده شده است. طبقات را از دو منظر شکلی و محتوایی نیز می‌توان خوانش کرد که در ادامه گزارش این خوانش‌ها ارائه شده است.

الف) نوع فعالیت‌های سیاسی

در این مرحله به طبقه‌بندی خود مفاهیم بر مبنای سوگیری فرآیندی (مبتنی بر آموزه‌های اسلامی) پرداخته می‌شود که پژوهشگر در این تحقیق، طبقات را به‌عنوان فرآیند انجام کار دسته‌بندی کرده است. عناوین منتخب را عمدتاً خود محقق برگزیده و تلاش بر ارتباط و هم‌سازی حداکثری داده‌ها با نشانه‌ها بوده است؛ البته از عباراتی که مشارکت‌کنندگان در تحقیق احیاناً به کار برده‌اند نیز به نحو مؤثر استفاده شده است. در مجموع، ۱۱ طبقه (نوع فعالیت) در بررسی مفاهیم، استخراج شده که در جدول ۴، عناوین و توضیح آن ارائه شده است.

جدول ۴: عناوین طبقات و توضیح آن

توضیح	طبقات (نوع فعالیت‌ها)
فعالیت‌هایی که خود نهاد یا دستگاه (سیاست‌گذار) به‌طور کامل و مستقیم یا از طریق زیرمجموعه‌های «خودایجاد» انجام می‌دهد.	اجرایی و تصدی‌گرایانه (مباشرتی)
فعالیت‌های حمایتی غیرمالی که نهاد یا دستگاه (سیاست‌گذار) به‌واسطه اعتبار و جایگاه خود، به‌منظور هدایت فعالیت‌های اشخاص حقیقی و حقوقی انجام می‌دهد؛ مانند مسابقات، جشنواره‌ها و...	حمایت معنوی (هدایتی)
فعالیت‌های حمایتی در قالب پولی، مالی و سرمایه‌ای که نهاد یا دستگاه (سیاست‌گذار)، در راستای اهداف و مأموریت‌های خود انجام می‌دهد.	حمایت مادی
فعالیت‌هایی که نهاد یا دستگاه (سیاست‌گذار) در اجرای بخشی از آن به یکی از دو صورت ذیل سهیم است: یا اینکه خودش متصدی است و دیگران در اجرا مشارکت می‌کنند یا اینکه دیگران متصدی هستند و او در اجرا مشارکت می‌کند.	مشارکتی (سهیم در اجرا)
فعالیت‌هایی که نهاد یا دستگاه (سیاست‌گذار) به حیث جایگاه و وظیفه حاکمیتی خود بر فعالیت‌های اشخاص حقیقی و حقوقی نظارت می‌کند. این مهم ممکن است به‌صورت میدانی و حضوری یا به‌صورت بررسی پرونده‌ها و اسناد انجام شود	نظارتی
فعالیت‌هایی که نهاد یا دستگاه (سیاست‌گذار) به حیث جایگاه و وظیفه حاکمیتی خود، برای اشخاص حقیقی و حقوقی مجوز یا پروانه صادر، تمدید یا ابطال می‌کند	صدور مجوز

ب) محتوای فعالیت‌های سیاسی

در مجموع، از میان ۸۷۰ کد اولیه، ۱۷۰ مورد مربوط به حوزه محتوایی است. این کدها نهایتاً در هشت طبقه محتوایی دسته‌بندی شده است. این مهم در کنار ۱۱ «طبقه (نوع فعالیت)» فرآیندی و ۱۱ «مقوله (جنس فعالیت)» شکلی در بررسی مفاهیم، استخراج شده که در جدول ۵، عناوین و توضیح آن ارائه شده است (پرکان، ۱۴۰۲).

جدول ۶: عناوین طبقات محتوایی و توضیح آن

توضیح	طبقات (محتوای فعالیت‌ها)
فعالیت‌های ناظر به جلوگیری از سکولاریسم و سکولاریزاسیون و جهت‌دهی به سوی حکومت و جامعه اسلامی	عرفی‌گرایی یا سکولاریسم
فعالیت‌های ناظر به نهادینه‌سازی و تعالی مردم سالاری دینی	دموکراتیزاسیون
فعالیت‌های ناظر به رشد هرچه بیشتر جامعه مدنی و قابلیت‌های افراد به جهت آزاداندیشی و توانمندی تحلیل از طریق خلاقیت و توانمندی به آفریدن و تولید کردن فرهنگی درون‌زا و در عین حال توان بهره‌برداری مناسب از بیرون و دیگر فرهنگ‌ها	توسعه‌گرایی و مدرنیزاسیون
فعالیت‌های ناظر به تقویت ملی‌گرایی در سایه وحدت اسلامی و تقویت امت واحده اسلامی	ملی‌گرایی در سایه امت‌گرایی
فعالیت‌های ناظر به پرهیز از استحاله فرهنگی توسط فرهنگ غربی و نیز درعین حال، بهره‌برداری معقول از دستاوردهای مدرنیته با هدف رفع ناکارآمدی‌ها در بخش‌های اداری و اقتصادی نظام	اصلاحات اجتماعی و اقتصادی
فعالیت‌های ناظر به جلوگیری از فمینیسم و آثار آن و تقویت و جهت‌دهی به سوی تقویت و تحکیم نظام خانواده	خانواده‌گرایی
فعالیت‌های ناظر به تأکید بر جاری و ساری‌سازی شریعت اسلام از منظر حکمرانی و سیاست‌گذاری	شریعت‌مداری
فعالیت‌های ناظر به حفظ، عمق بخشی، امتداد انقلاب اسلامی و صدور آن در عرصه بین الملل	انقلابی‌گری

بنابراین، می‌توان کلیت اقدامات سیاسی جمهوری اسلامی ایران در حوزه فرهنگ را به جهت شکلی، فرآیندی و محتوایی در قالب ماتریس سه بعدی شامل، مقولات، طبقات و محتوای فعالیت‌ها نشان داد. البته در این مقاله، محتوای فعالیت‌ها نیز همان طبقات هستند که از منظری دیگر به فعالیت‌ها نگریسته شده است که در گام بعدی این دو منظر، به تفکیک توضیح داده شده است.

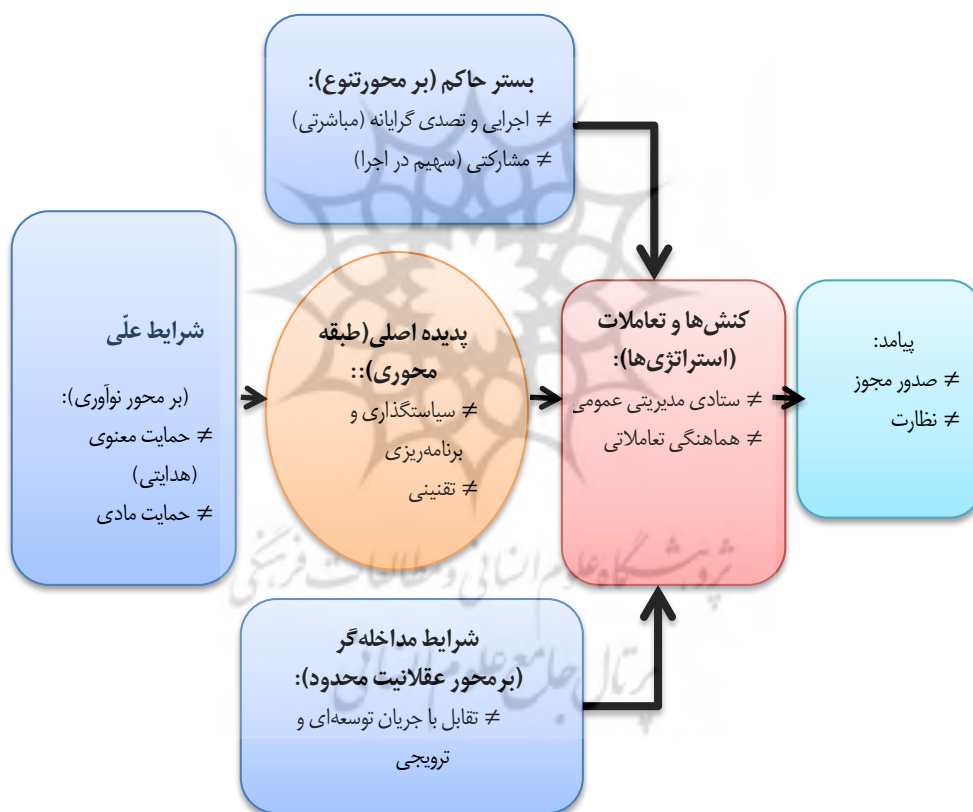
گام دوم: کدگذاری محوری

الف) کدگذاری محوری از منظر فرآیندی

در این مرحله، از بین طبقات، دو طبقه به‌مثابه طبقه محوری برگزیده شده و در کانون فرآیند، واکاوی و رابطه طبقات دیگر با آن تعیین شده است. همان‌طورکه در شکل یک نشان داده شد، رابطه طبقات

دیگر با طبقه محوری ممکن است در پنج عنوان تحقق یابد (Straus & Corbin, 2008, p. 112) که در ذیل شکل یک، تعاریف آن ارائه شد. علت اینکه دو طبقه، به عنوان طبقه محوری انتخاب شده است، همپوشانی و قرابت فراوان این دو طبقه است که بنا به دلایل متعدد، این دو طبقه از همدیگر تفکیک شده است.

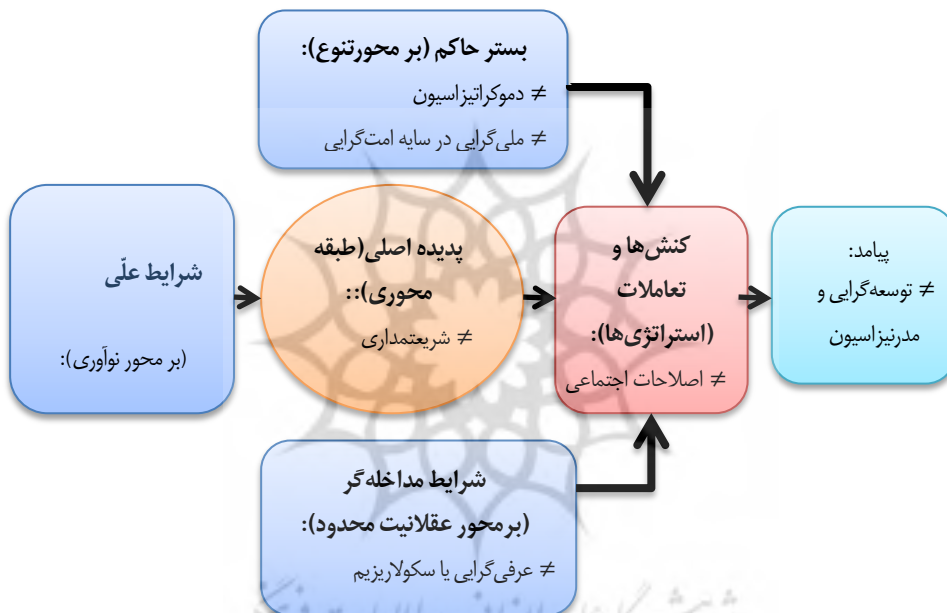
مقصود پژوهشگر در این مرحله، ایجاد ارتباط میان طبقاتِ مستحصل از کدگذاری باز است. چنین عملی، تسهیل‌گر فرآیند تئوری‌پردازی است. مبنای فرآیند مرابطه در این مرحله، توسعه یکی از طبقات است. از این‌رو، در عمل، در گام دوم این تحقیق، ۱۱ عنصر الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی به جهت فرآیندی تحصیل شده است.



شکل ۳: کدگذاری محوری بر مبنای الگوی پارادایم به جهت فرآیندی

ب) کدگذاری محوری از منظر محتوایی

در این مرحله، از بین طبقات، دو طبقه به‌مثابه طبقه محوری برگزیده شده و در کانون فرآیند، واکاوی و رابطه طبقات دیگر با آن تعیین شده است. علت اینکه در اینجا نیز دو طبقه، به‌عنوان طبقه محوری انتخاب شده است، همپوشانی و قرابت فراوان این دو طبقه است که بنا به دلایل متعدد، این دو طبقه از همدیگر تفکیک شده است. در این قسمت تحقیق، هشت عنصر الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی به جهت محتوایی، تحصیل شده است.



گام سوم: کدگذاری گزینشی (تئوری‌پردازی)

چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، هدف مفهوم‌سازی بنیادی، ایجاد نظریه است نه توصیف صرف پدیده. برای تبدیل تحلیل‌ها به تئوری، باید طبقات به‌طور منظم با همدیگر مرتبط شوند. کدگذاری گزینشی (بر مبنای دستاوردهای گام‌های سابق کدگذاری) گام اصلی تئوری‌پردازی را تشکیل می‌دهد. به این صورت که پژوهشگر، پس از مرابطة طبقه محوری با دیگر طبقات، به‌نحو روشمند، آن روابط را در قالب یک روایت مطرح کرده و طبقاتی را بهبود می‌بخشد که مستلزم بهینگی و گسترش است. در این گام، پژوهشگر مبتنی بر درک خویش، یا قالب الگوی پارادایم را به شکل

روایتی ارائه می‌کند یا الگوی پارادایم را به هم ریخته و به شکل ترسیمی، تئوری نهایی را عرضه می‌کند (دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۴).

همان‌طور که در شکل‌های ۳ و ۴ نشان داده شده است، مدل پارادایمی سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فرآیندهایی را می‌نمایاند که به وسیله آن جامعه هدف (اهالی فرهنگ، مؤسسات فرهنگی، دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی، شوراهای کمیته‌های مربوطه، قانون‌گذاران عرصه فرهنگ و...) مسائل سیاستی خویش را می‌شناسند و با توجه به عناصر مستحصل، به سیاست‌گذاری و اقدام می‌پردازند.

بحث و نتیجه‌گیری

خروجی تحقیق حاضر، شامل ماتریس سه‌بعدی سیاستی حوزه فرهنگ (جدول شماره ۵ و ۶) است که روابط آن در شکل‌های ۳ و ۴ نشان داده است. همان‌طور که در شکل ۳ آمده است: یکی از اقدامات اجتناب‌ناپذیر در سیاست‌گذاری فرهنگی کشور، توجه به مباشرت مستقیم دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی کشور بوده است که معمولاً به دلیل عدم امکان تجاری‌سازی آنها به مانند دیگر شرکت‌ها و سازمان‌های تجاری، جذابیتی برای بخش خصوصی نداشته است. بنابراین، به ناچار شاهد تصدی‌گری بخش عمومی و دولتی در این زمینه بوده‌ایم. همچنین، مباشرت دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی در حل مسائل فرهنگی کشور به صورت مستقیم بوده است. اگرچه محوریت شرایط علی، بر نوآوری است، ولی نوآوری‌هایی که بخش خصوصی تمایلی به ورود ندارد و حاکمیت، ناگزیر از مباشرت است (شرایط علی بر محور نوآوری) جزء استثناها می‌باشد.

از این رو، مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی، بر خود لازم می‌دانند که به تمهید سیاست‌ها و قوانین موردنیاز در عرصه‌های مختلف فرهنگی بپردازند و از راهکارهای نوآورانه جهت رفع مسائل فرهنگی به‌ویژه در مقوله‌های سیاستی و تقنینی حمایت کنند (پدیده اصلی یا طبقه محوری). با بهره‌برداری از حمایت‌های یادشده و نیز بهره‌برداری از دستاوردهای تحقیقات صورت گرفته در ساحت فرهنگ، معمولاً ساختار دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی، اصلاح شده و مقدمات گسترش فعالیت‌های فرهنگی را مهیا کرده است. در ضمن، حمایت از فعالیت‌های فرهنگی، مستلزم بهره‌گیری از فرآیندهای ساختاری سازگار با مؤلفه‌های فرهنگی در کلان‌دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی است و همواره ایجاد دگرگونی‌های ساختاری، ضروری تلقی می‌شده است (کنش‌ها و تعاملات یا راهبردها). ترمیم نظام تعلیم و تربیت اهالی فرهنگ، همواره جزء لوازم دستیابی به فرهنگ متعالی، مدنظر قرار داده شده است. به دنبال آن نیز تقابل با جریان‌های ضدفرهنگی نیز

ضروری پنداشته شده است. هرچند، آموزش و تعلیم صحیح، اقدامی اساسی و مؤثر است، ولی افزون بر آن، اقدامات تقابلی نیز انجام شده است. در ضمن، فرهنگ‌سازی‌های ضروری به منظور تمهید شرایط جهد علمی در عرصه شاخص‌سازی فعالیت‌های فرهنگ متعالی و سپس ترویج و تعمیم آن، از دیگر الزامات ایجاد مسیر صحیح هدایت فعالیت‌های فرهنگی، همواره مدنظر سیاست‌گذاران بوده است. طبعاً تقابل‌ها و مداخلات آن، محدودیت‌هایی را در برداشته است (شرایط مداخله‌گر بر محوریت عقلانیت محدود). هرچند توجه به این وجود داشته که بدون تعریف و تعیین شاخص‌های مداخله مستقیم دستگاه‌ها و نهادهای دولتی در حوزه فرهنگ، عملی درخور، صورت نمی‌پذیرد. معمولاً تلاش سیاست‌گذار بر این بوده است که با تدوین آیین‌نامه‌ها و قوانین تشویقی و تمهید حفظ منافع بخش خصوصی و اتخاذ سیاست‌های روشن جهت تعیین زمان واگذاری و خروج دستگاه‌ها از اقدامات مابشرتی، انگیزه لازم را برای مشارکت مردم و بخش خصوصی فراهم کند. مباحثت حاکمیت در انجام بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی، موجبات تنوع فعالیت‌های فرهنگی را فراهم کرده است (بستر حاکم بر محور تنوع). بنابراین، ابزارهایی مثل صدور مجوز و نظارت، راهی برای حصول به آرمان‌های فرهنگ متعالی تلقی شده و فرآیندهای آن در دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و عمومی، ایجاد شده و همچنان موجود است (پیامدها).

همان‌طور که در شکل ۴ آمده است: یکی از اقدامات اجتناب‌ناپذیر در سیاست‌گذاری فرهنگی کشور، توجه به دموکراتیزاسیون با هدف نهادینه‌سازی و تعالی مردم‌سالاری دینی توسط دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی کشور بوده است. از این رو، مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی، بر خود لازم می‌دانند که به تمهید سیاست‌ها و قوانین موردنیاز در عرصه‌های مختلف فرهنگی بپردازند و از راهکارهای نوآورانه جهت تقویت نهاد خانواده (ناظر به جلوگیری از فمینیسم و آثار آن و تقویت و جهت‌دهی به سوی تقویت و تحکیم نظام خانواده) در راستای رفع مسائل فرهنگی به‌ویژه در مقوله‌های سیاستی و تقنینی حمایت کنند [پدیده اصلی یا طبقه‌محوری]. با بهره‌برداری از ظرفیت‌های خانواده‌گرایی و تقویت نقش زن در تعالی فرهنگی جامعه و نیز بهره‌برداری از دستاوردهای تحقیقات صورت گرفته در ساحت فرهنگ، معمولاً ساختار دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی، اصلاح شده و مقدمات گسترش فعالیت‌های فرهنگی را مهیا می‌کند.

در ضمن، حمایت از فعالیت‌های تحکیم نظام خانواده، مستلزم بهره‌گیری از فرآیندهای ساختاری سازگار با مؤلفه‌های فرهنگی در کلان‌دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی است و همواره ایجاد دگرگونی‌های ساختاری، ضروری تلقی می‌شده است (کنش‌ها و تعاملات یا راهبردها). ترمیم نظام اجتماعی، اقتصادی و اداری فرهنگ، همواره جزء لوازم دستیابی به فرهنگ متعالی، مدنظر قرار داده

شده است. به دنبال آن نیز تقابل با جریان‌ات ضد فرهنگی همچون سکولاریسم نیز ضروری پنداشته شده است. هرچند، آموزش و تعلیم صحیح، اقدامی اساسی و مؤثر است، ولی افزون بر آن، اقدامات تقابلی (ناظر به جلوگیری از سکولاریسم و سکولاریزاسیون و جهت‌دهی به سوی حکومت و جامعه اسلامی) نیز صورت گرفته است. در ضمن، فرهنگ‌سازی‌های ضروری به منظور تمهید شرایط شریعت‌مداری و انقلابی‌گری، از دیگر الزامات ایجاد مسیر صحیح هدایت فعالیت‌های فرهنگی، همواره مدنظر سیاست‌گذاران بوده است. در نتیجه، تقابل‌ها و مداخلات آن به‌ویژه از ناحیه سکولاریسم، محدودیت‌هایی را در برداشته است [شرایط مداخله‌گر بر محوریت عقلانیت محدود].

معمولاً تلاش سیاست‌گذار بر این بوده است که با تدوین آیین‌نامه‌ها و قوانین تشویقی و تمهید حفظ منافع ملی و اتخاذ سیاست‌های روشن جهت مشارکت واقعی مردم و عدم غلبه فرهنگ سیاست‌گذاری بالا به پایین، انگیزه لازم را برای مشارکت مردم فراهم کند. مشارکت‌خواهی حاکمیت در انجام بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی، موجبات ملی‌گرایی فعالیت‌های فرهنگی را (ناظر به تقویت ملی‌گرایی در سایه وحدت اسلامی و تقویت امت واحده اسلامی) فراهم کرده است (بستر حاکم بر محور تنوع). بنابراین، توسعه‌گرایی و مدرنیزاسیون، پیامدی برای این شیوه سیاست‌گذاری فرهنگی در تحقق آرمان‌های فرهنگ متعالی تلقی شده و فرآیندهای آن در دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و عمومی، ایجاد شده و همچنان موجود است (پیامدها).

یافته اصلی تحقیق، چارچوب مفهومی تطورات سیاستی در ساحت فرهنگ است که نگاهی جامع بر اساس داده‌ها ارائه کرده است. آنچه بر مبنای این تحقیق در سیاست‌گذاری و حکمرانی کشور ایران استفاده می‌شود را می‌توان در چارچوب یک ماتریس سه بعدی ۱۱*۱۱*۸ (جداول ۵ و ۶) ترسیم کرد. با تغییر دول مختلف جمهوری اسلامی و تغییر اسلوب، اقدامات و سیاست‌های مختلفی صورت می‌گیرد که مبتنی بر ابعاد مندرج در جداول ۵ و ۶، این تطورات، قابل رصد، احصاء و تبیین است. همچنین، این الگو، سه مؤلفه اصلی و مشترک الگوهای مختلف تطوری، که قبلاً از آن یاد شد، را در برداشته و آن را پوشش داده است.

در پایان، پیشنهاد می‌شود با بهره‌گیری از مدل ارائه شده در این تحقیق و با استفاده از شیوه‌های علمی و کاربردی، آسیب‌های نظام حکمرانی و سیاست‌گذاری فرهنگی شناسایی و مبتنی بر آن سیاست‌های کلان و بخشی جمهوری اسلامی ایران در حوزه فرهنگ تدوین شود.

منابع

۱. اسمیت، فیلیپ (۱۳۹۳). درآمدی بر نظریه فرهنگی. ترجمه حسن پویان. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲. ایمان جاجرمی، حسین (۱۳۸۴). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر کارایی شوراهای شهر در توسعه محلی. پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی به راهنمایی مصطفی ازکیا. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران، ایران.
۳. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۸۸). سیاست‌گذاری فرهنگی در فرانسه: دولت و هنر. تهران: سمت.
۴. الوانی، مهدی (۱۳۸۷). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران: سمت.
۵. پرکان، حسین (۱۴۰۲). دوراهی‌ها: موقعیت سازهای هرمنوتیکی در سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. قم: انتشارات دانشگاه باقرالعلوم (ع).
۶. حسین‌لی، رسول (۱۳۷۹). اصول و مبانی سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: آنا.
۷. خلیلی عراقی، منصور، و میرزایی قزانی، مجید (۱۳۹۳). روش‌های مدل‌سازی تطوری در اقتصاد (با تأکید بر عناصر مشترک سازنده آنها). فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۹ (۲)، ۴۷-۷۲.
۸. خنیفر، حسین، و مسلمی، ناهید (۱۳۹۶). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی: رویکردی نو و کاربردی. تهران: نگاه دانش.
۹. دانایی‌فرد، حسن، و اسلامی، آذر (۱۳۸۹). کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه مفهوم‌سازی بنیادی در عمل؛ ساخت نظریه بی‌تفاوتی سازمانی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۰. جانباز، دیان، و بیات، مجید (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی مبانی و فرآیند سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. چاپ اول. تهران: نشر قومس.
۱۱. رضایی، شمس‌الدین (۱۳۹۶). طراحی مدل درآمدزایی باشگاه‌های فوتبال ایران: با رویکرد گراند تئوری. پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، ۶ (۲۳)، ۱۰۱-۱۱۵.
۱۲. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). مدل‌های علی. نامه علوم اجتماعی. جلد دوم، ۲ (۵)، ۱-۲۴.
۱۳. فروزنده، لطف‌الله، و وجدانی، فؤاد (۱۳۸۸). سیاست‌گذاری عمومی چیست؟ اطلاعات سیاسی و اقتصادی. پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۶۹ و ۲۷۰، ۱۸۰-۲۰۷.
۱۴. منوریان، عباس (۱۳۷۹). از دولت خوب تا حکومت‌داری خوب. مدیریت دولتی، ۴۸-۴۹.

۱۵. نائینی، علی محمد (۱۳۸۹). درآمدی بر مدیریت فرهنگی. تهران: ساقی.
۱۶. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲). نقشه مهندسی فرهنگی کشور.
17. Bruegge, B., & Dutoit, A. H., (2010). *Object Oriented Software Engineering Using UML: Patterns, and Java™*, Technical University of Munich Department of Computer Science Munich, Germany and Carnegie Mellon University School of Computer Science Pittsburgh, PA, United States, Third Edition.
18. Barker, Chris. (2004). *The Sage dictionary of cultural studies*. London, Thousand Oaks, Calif: Sage Publications.
19. Buse, K., Mays, N., Walt, G., (2012). *Making Health Policy*, McGrawHill International.
20. Carvalho, V. A., & Almeida, J. P. A., (2018). Toward a well-founded theory for multilevel conceptual modeling. *Software & Systems Modeling*, 17(1), 205–231.
21. Dunn, William N. (Ed.) (2003). *Public policy analysis. An introduction*. 3rd ed. Harlow: Prentice Hall.
22. Frigg, R., & Hartmann, S., (2012). *Models in Science*. In: Zalta, E.N. the Stanford encyclopedia of philosophy. [Retrieved: 24th July 2016].
from: <http://plato.stanford.edu/archives/fall2012/entries/models-science/>
23. Gigerenzer, G. & Selten, R. (2001). *Bounded Rationality: The Adaptive Toolbox*, Cambridge, Massachusetts: The MIT Press.
24. Ong, In Lih; Siew, Pei, Hwa & Wong, Siew, Fan, (2011). *A Five-Layered Business Intelligence Architecture*, IBIMA Publishing: Communications of the IBIMA, Article ID: 695619, 11.
25. Kaufmann, Daniel, Kraay, Aart and Zoido-Lobato, Pablo (1999). Governance Matters, *World Bank Policy Research Paper*, 2196, 1–61.
26. Krausz, E., Miller, S. H. (1974). *Social Research Design: Longman*. Available online at <https://books.google.com/books?id=zBGQAAAAIAAJ>.
27. Simon H. (1955). *A behavioral model of rational choice*. Q J Econ 69, 99–118.
28. Silva, S. T., & A. C. Teixeira (2009). On the divergence of evolutionary research paths in the past 50 years: a comprehensive bibliometric account. *Journal of Evolutionary Economics*, 19, 605–642.
29. Straus, A. and Corbin, J. (2008). *Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures for developing Grounded Theory*. Third Edition, Los Angeles: Sage publication.